



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۱۲/۲۹

داکتر صلاح‌الدین سعیدی

شرف - عزت و رهبران!؟ ما (در رابطه و انگیزه از نوشته خانم لینا روز به)

شرف، عزت و آبرومندی، جوهر و ملکه است که هر انسان در وجود خود دارد. این ملکه و جوهر با صیقل، پرورش و پالش روز تا روز براق و براقتر شده میتواند و به عدم ممارست و عدم رسیدگی روز تا روز تاریک و تاریکتر شده که بعضاً میگویم که این و یا آن آدم وجدان و شرف ندارد و یا برعکس آنرا اظهار میداریم. هست مواردیکه شناخت ما در مورد از انسانها کمتر و یا با انسانهای خوب و یا بد تجارب به خصوص خود را داریم!

انسان های با اصالت و با رسالت، با وجدان و با شرف که این ملکه و جوهر در ایشان قوی باشد و ما آنرا بیشتر حس و دیده باشیم در زندگی و محیط خود بخاطر همان اصطلاح، خبر خوب، خبر نیست، کمتر به ذهن ما مانده و اکثر خاطره ها و حافظه انسانهای بد در ذهن ما بیشتر مانده و لذا فکر میکنیم که افرادی که، این کمبود را دارند زیاد و افرادی که این ملکه را کم دارند، تعدادشان زیاد است! با تجارب پنج دهه اخیر منظور ما درین قضاوت که انسانهای با عزت و با شرف کمتر است، قبل از همه رهبران سیاسی و دینی اند! چون اعتماد کردیم و در موارد به بلندی و مدارج رساندیم و یا از نام ما رسیدند، ما را در هر فرصت اول فروختند، و یا پایین شدن از بلندی و بام را با خرابی همه آنچه به بسیار قیمت بلند، بنا یافته بود، بردند و یا سیاست و زعامت را به جیب پر کردن، مقام را به هر قیمت نگه، داشتن و یا میراثی ساختن و یا با چهار دست و چهار پا به قدرت تکه کردن و مانند آب استاده گندش همه جاء را گرفتن، منتهی شد و در صورت بحث و در صورت بهتر، در تلاش ترضیحات منطقی با ایشان، پیشه و گفته همان بچه های سرکچه را گرفته اند که: حق بگو، ولی به طرف من!

لذا افرادی که ذات و جوهر شان خوب باشد، کمتر میشناسیم و کمتر تجربه کرده ایم، ولی این محدودیت معرفت ما محدودیت وجود، انسانهای با عزت و با رسالت نیست!

رهبران و شناخت از تعداد اندکی از انسان های با عزت و با شرف را که از این جنس خوب و با عزت در این سرزمین داریم و یا داشتیم یا کشته شدند، یا میکشند و یا فرصت زعامت و تبارز نداشتند، چون ایشان نه شارلتان و نه هم به هر قیمت رسیدن به مال و متاع دنیا و نه مقام میخواهند! ببیاب، بدی را بد گفته و به شرارت و بدی، ناروا، نه گفته و در افشای شرارت و بدی اند و هم ببیاب که قبول خطر ها درین راه رفته اند! خطر را درین ادای رسالت دیده اند، و میدانند و اما ادای رسالت را درین فرصت کوتاه بشری، افضلیت داده، اند، مبارزه کرده و میکنند! برماست تا در هر قدم و بدون شناخت شخصی ایشان را یاری و ممد کنیم! زمانی کف زدن و تشویق هم ممد و کمک است!

بلی کشور های خورد، عقب مانده و افغانستان، سرزمین فرصت برای سیاستمداران بیوجدان و کتله Elite بد ذاتی شده است که عاری از هر گونه تعهد به سمت خاک، مردم، و ملت های خود فقط مصروف این محاسبات بودند و هستند که کی علایق شان را به هر قیمت، بلی به هر قیمت، تامین میکند، کی به آنها پول و مقام بالاتری و بیشتر میدهد تا غلام درگاه آن جانب شوند و به مقاصد شوم خود برسند! در موارد خوب، به مقاصد شوم خود برسند، اگر خدمتی به کشور و مردم نیز شد، باک ندارد!

بلی، انسان خوب، انسان با تعهد، انسان دارای ارزش و معیار در این سرزمین فرصت کمتر تبارز یافته اند ولی تعداد شان به یقین کم و کمیاب و نادر نیست!

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خبر و لولی

بلی ما هم خوبها و خوبی ها رامدد لازم نه کرده ایم، در موارد زیاد سیاست به من چه را پیشه و به دوستان نزدیک سفارش داریم! (سکوت در محل بیان، بیان است!).

بلی نسل انسان های با وجدان در رهبری و زعامت در افغانستان رو به انقراض بوده، شارلتان ، بی حیا، وطن فروش و خاین بیشتر فرصت یافته است!

به لحاظ، به لحاظ شرف و انسانیت، این سیاسیون چطور میتوانند ، بدون اندکترین شرم و حیا، از دشمن تجربه شده و تاریخی چون استابلشمنت پاکستان و اداره ای اس ای برای گویا نجات و آزادی کمک میخواهند و با ایشان کار میکنند و با قبول تمام دنایت و پستی دست به دامن و پایینتر از دامن ایشان برده و محکم گرفته و بدون اندکترین شرم از آن دفاع میکنند و با تمام دیده درایی، دروغ میگویند و گمان میکنند که مردم (گویا) کور و کر اند!

به لحاظ خدا، چطور شده میتواند، وزیر مالیه و اقتصاد کشور با دوکتورا و القاب اکادمیک بیاید و برای ملت تأکید کند که: «طالبان حق رفت و آمد و تجارت را از مردم افغانستان نباید با بسته کردن دروازه های طور خم بگیرند! مگر این پاکستان نبود که در ۵۰ سال اخیر، به چنین عمل خایانه بر، دست زده ، منافع و مصالح افغانستان و منطقه را ناجوانمردانه و خایانه تلف کرده و آغاز بسته شدن این دروازه ها در قضیه اخیر هم باز جانب پاکستانی! شرف و عزت این رهبر نما ها و اکادمیک ها کجاست که از حق و منافع ملت افغان و افغانستان دفاع میکردند و بکنند؟ شرف و عزت دارند؟ شرع ظاهر را میبیند و بر دلها الله متعال دانا است، لذا به یقین که عزت و شرف هم ندارند!

بلی

در جامعه ما، فقدان رهبران، زعماء، انسان های جوانمرد، انسان های عیار، انسان های که از خود میگذرند ولی از ارزش ها و معیار ها و مصالح دانساندو انسانیت، هرگز نه، کمتر در ستیج سیاسی رسیده و یا فرصت تبارز کمتر یافته و اگر احیاناً رسیده، و فرصت یافته، کمتر تاب آورده و کمتر باقی مانده اند!

هست مواردیکه عده قلیل شان، به خطاء و اشتباهات خود و لو نیمچه و به صورت غیر کامل و یا منحرفتر، پی برده، در تلاش تلافی آند، ولی فراموش کرده آند که دیگر حق رهبر و زعیم شدن را ندارند، و باید مانند سرباز در تلافی و کفاره و طلب مغفرت بروند ، اکت و توقع نه کنند که قحط الرجال است و ایشان، باز از همان موقف و پروتوکل دیروز باید بیایند و یا با ایشان باید از همان موقف باد آورده دیروز برخورد شود!

زندگی و فرصت ما کوتاه است! تا دیر نه شده باید خود را اصلاح کرد!

و کمال کار درین مقام : ۱/ ایمان به حق، ۲/ عمل به حق، ۳/ نصیحت یکدیگر به حق! (والعصر ان الانسان لفي خسر...).

الهی ما را هدایت نیکی کن!

امین

د ص سعیدی

۲۰۲۵/۱۲/۲۸

۰۰۴۴۷۸۸۶۴۷۴۶۳۸